

## نگاهی بر قانون بانکداری اسلامی افغانستان و ارائه الگوی پیشنهادی (با تأکید بر تأمین مالی خرد)

محمد توسلی غرجستانی\*

چکیده

بیش از سه دهه از تجربه بانکداری اسلامی در برخی از کشورهای اسلامی می‌گذرد و هر کشور به تناسب مقتضیات زمانی، مکانی و سیستم اقتصادی و حقوقی - فقهی خود، الگویی را ملاک و معیار عملکرد بانک‌های خویش قرار داده‌اند که طبعاً در سایر کشورهای اسلامی بدون چالش قابل اجرا نیست. با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افغانستان، یافته‌های تحقیق از طریق تبیین ویژگی‌های بانکداری اسلامی، الگوی پیشنهادی، زمینه‌ها و شرایط تأمین مالی اسلامی در افغانستان، چگونگی حل مشکل تأمین وثیقه اعطای تسهیلات به فقرا و نیازمندان، بیان می‌دارد که الگوی پیشنهادی می‌تواند در مرحله گذار به تحقق اهداف اقتصادی از بانک‌ها کمک کند.

شاکله اصلی این پژوهش، متشکل از تبیین مفاهیم از جمله تعریف، تاریخچه

\* نویسنده، پژوهشگر و استاد دانشگاه ابن سینا.

و ادبیات بانک، بانکداری، بررسی چالش‌های قانون بانکداری اسلامی افغانستان، بانکداری خرد و تأمین مالی اسلامی، بانک و بانکداری در افغانستان، ضرورت و اهمیت تأمین مالی اسلامی، تبیین الگویی پیشنهادی بانکداری اسلامی برای افغانستان با رعایت مبانی و معیارهای فقهی، اقتصادی، اجتماعی و ارزشی در قالب قراردادهای غیر انتفاعی و انتفاعی با نرخ سود ثابت و متغیر و ارائه مدل عملیاتی الگوی پیشنهادی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: بانک، بانکداری، الگوی بانکداری اسلامی، تأمین مالی خرد، عقود معاملاتی مشترک، قانون بانکداری اسلامی افغانستان.

## پیش درآمد

طراحی الگوی بانکداری اسلامی همانند اصل بانکداری یک ضرورت است؛ چه آن‌که بدون استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی کشورهای اسلامی و بازار مالی آن، رشد و توسعه اقتصادی محقق نخواهد شد.

در فرایند تکامل بانکداری اسلامی، الگویی از بانکداری اسلامی از نوع تأمین مالی ارائه می‌شود که بتواند علاوه بر توجه به شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هر کشور، زمینه تحقق عدالت اجتماعی از جهت اعطای تسهیلات به اقشار مختلف مردم، به‌خصوص متقاضیانی که وثیقه لازم جهت اخذ وام و تسهیلات را در اختیار ندارند و در عین حال پاسخ‌گویی جنبه‌های ارزشی و اعتقادات حاکم در جامعه را نیز فراهم کند. برای کشوری مثل افغانستان، که اکثر مردم آن پیرو دو مذهب عمده حنفی و جعفری بوده و از طرف دیگر بیش از ۷۵ درصد آنان به‌خاطر فقدان اسناد معتبر برای املاک و مستغلات نمی‌توانند وثیقه مورد نیاز بانک‌های تجاری را فراهم نمایند، در مرحله گذار الگوی بانکداری اسلامی (تأمین و تمویل مالی اسلامی) و به‌ویژه تأمین مالی خرد اسلامی که نیاز به وثیقه نداشته باشد، می‌تواند از هر الگوی دیگری به تحقق اهداف فوق کمک نماید.

حال این پرسش مطرح است که «الگوی بانکداری اسلامی چگونه در شرایط فعلی افغانستان می‌تواند از الگوی بانکداری متعارف بهتر و مفیدتر باشد؟» ویژگی‌هایی بانکداری اسلامی چیست؟ چالش‌های موجود در قانون بانکداری اسلامی افغانستان کدام‌اند؟ زمینه‌ها و شرایط

تأمین مالی از جمله تأمین مالی خرد در افغانستان فراهم هستند؟ و چگونه می‌توان مشکل تأمین وثیقه اعطای تسهیلات به فقرا و نیازمندان را از طریق الگوی پیشنهادی برطرف نمود؟

این پژوهش بر این فرضیه استوار است که طراحی الگوی بانکداری اسلامی با ویژگی‌های ذیل که نخست مورد اتفاق و اعتماد مردم باشد؛ دوم انگیزه‌های دینی، فرهنگی و اقتصادی و نیاز مشتریان را در نظر گرفته باشد و سوم از کارآیی و سهولت در مقام اجرا و نحوه اعطای تسهیلات به‌خصوص حل مشکل وثیقه و ضمانت برخوردار باشد، می‌تواند علاوه بر جلب اعتماد مردم به صنعت بانکداری، زمینه تحقق عدالت اجتماعی - اقتصادی، کاهش نسبی فقر و بیکاری و در کل توسعه اقتصاد ملی را در افغانستان فراهم سازد.

هرچند تا کنون الگوهای گوناگونی برای بانکداری اسلامی در کشورهای مختلف اسلامی طراحی شده‌اند؛ اما هرکدام تنها در محیط جغرافیای سیاسی خاص اجرا شده‌اند. اما تا کنون الگوی بانکداری اسلامی برای افغانستان به‌صورت منسجم طراحی نگردیده است؛ بنابراین، طراحی الگوی بانکداری اسلامی (بانکداری کلان و تأمین مالی خرد) بر مبنای فقه اسلامی، با توجه به وضعیت و شرایط اجتماعی - اقتصادی افغانستان، یک کار تازه و در عین حال ضروری و مهم به حساب می‌آید.

هرچند در سال ۱۳۹۴ در قانون بانکداری افغانستان که از ۱۰۱ ماده به ۱۷۸ ماده اصلاح، ایزاد و تعدیل شد، بانکداری اسلامی به‌طور رسمی وارد صنعت بانکداری گردید؛ اما نحوه، روش و مدل بانکداری اسلامی در آن به درستی تبیین نشده است و این خود می‌تواند باعث سردرگمی مسئولان و مدیران بانکی و مشتریان خدمات بانکی اسلامی شود. بهتر بود که بانک مرکزی افغانستان (د افغانستان بانک) یک مدل ساده و در عین حال کارا و پاسخ‌گو را برای پیشبرد بانکداری اسلامی با چشم‌انداز ده‌ساله تدوین و تعریف می‌کرد تا از عملکرد دوگانه و احیاناً چندگانه بانکداری اسلامی در کشور جلوگیری می‌گردید؛ زیرا در غیاب یک رویه واحد در این مورد، هر بانک طبق برداشت و اهدافی که دارد، تجهیز و تأمین مالی اسلامی را تطبیق خواهد کرد.

در مقاله حاضر، تلاش بر آن است که با توجه به قانونی‌شدن بانکداری اسلامی در افغانستان، ضمن نگاه نقادانه به برخی از موارد آن، الگویی برای بانکداری افغانستان تدوین گردد که تمام

شهروندان آن به خصوص فقرا و نیازمندان بتوانند از مزایا، تسهیلات و خدمات آن بدون دغدغه دینی و صبغه مذهبی و بدون تأمین وثیقه بابت اخذ تسهیلات (البته در بخش تأمین مالی خرد)، بهره‌مند گردند.

## ۱. تعریف بانک، بانکداری و تاریخچه آن

با توجه به این‌که چه تعریفی از بانک را در نظر داشته باشیم، قدمت و زمان آغاز فعالیت‌های بانکی فرق خواهد داشت. اگر بانکداری را با شروع فعالیت‌های ایجاد و انجام حواله در نظر بگیریم، آغاز فعالیت بانکداری به قرن‌ها قبل و شاید همراه با شروع و توسعه دادوستد بین انسان‌ها و جوامع انسانی بازمی‌گردد. اگر بانکداری را همراه با پول‌آفرینی و ایجاد اعتبارات جدید در نظر بگیریم، قطعاً تاریخ آغاز فعالیت‌های بانکی به قرن ۱۷ و ۱۸، حدود آغاز فعالیت بانک‌های آمستردام (۱۶۰۹م)، انگلستان (۱۶۹۴م) و پاریس (۱۷۱۶م)، خواهد رسید (پژویان، ۱۳۸۶: ۶).

به‌طور کلی، تعریف جامع و مانعی از بانک که بتواند کلیه عملیاتی که بانک‌ها انجام می‌دهند پوشش دهد و بانک را از سایر مؤسسه‌های مالی متمایز سازد، با سهولت همراه نیست؛ از این رو، بهتر است بانک را با مدنظر قراردادن وظایفی که در اقتصاد امروز بر عهده دارد، تعریف کرد.

بانک یک مؤسسه مالی واسطه است که اصولاً وجوه اشخاص را تحت عنوان سپرده‌های جاری، پس‌انداز و میعادری دریافت و این وجوه را در اشکال وام و اعتبار و خرید اوراق بهادار مصرف می‌کند. وظیفه مهم دیگر بانک افتتاح حساب جاری و پرداخت و انتقال وجوه توسط چک است. سایر وظایف و عملیات مهم و اساسی بانک، ارائه خدمات ارزی به مشتریان، تأمین مالی معاملات خارجی، عملیات در بازار پول و در نهایت ارائه خدمات مالی مشاوره‌ای است (Macmillan, 1989: 3 و صالح الامین، ۱۹۸۷: ۲۲).

اهمیت صنعت بانکداری در اقتصاد امروزی بر هیچ‌کس پوشیده نیست و یک صنعت بانکداری موفق می‌تواند اقتصاد یک کشور و به‌ویژه بخش مالی و پولی آن را متحول سازد. بسیاری از سیاست‌های انبساطی و انقباضی پولی و مالی بانک مرکزی به نمایندگی از دولت‌ها از طریق سیستم و صنعت بانکداری اعمال و اجرا می‌گردد. هم‌چنین نقش بانک‌های امروزی در تجارت بین‌الملل، صدور انواع ضمانت‌نامه‌ها و لیتراف‌کردیت‌ها یکی از نیازهای اساسی در

این بخش است.

## ۲. بانک‌داری اسلامی و تاریخچه آن

بعد از این که سیستم بانکی در کشورهای جهان شکل گرفت و نقش مهمی در انجام فعالیت‌های اقتصادی به خود اختصاص داد، در کشورهای اسلامی نیز که غالباً تحت سلطه مستقیم یا غیر مستقیم استعمار بودند، نظام بانکی به همان شکل ربوی خود ظهور و بروز نمود. به خاطر مغایرت نظام بانکی ایجاد شده با اصول اجتناب‌ناپذیر شرع (حرمت ربا)، عده‌ای از اندیشمندان مسلمان به فکر ترسیم نظامی جدید از بانک‌داری که مبتنی بر بهره نباشد، افتادند و پاره‌ای از متنفذان مسلمان نیز با ایجاد صندوق‌ها و مؤسسات پولی، به تحقق این اندیشه کمک کردند (توسلی غرجستانی، ۱۳۹۳: ۴۰). بنابراین، تاریخچه بانک‌داری اسلامی از دو نگاه قابل توجه و بحث است.

### ۲-۱. ایجاد و تطور فکری و اندیشه تاسیس بانک بدون ربا (اسلامی) در مقام تئوری

برخی از دانشمندان اسلامی جهت مبارزه با بانک‌داری ربوی، با هدف ریشه‌کن کردن معاملات ربوی بانکی از جامعه اسلامی، طرح نظری بانک‌داری بدون ربا را به‌عنوان بدیل بانک‌داری ربوی مطرح کردند. اولین تلاشی که به‌نظر می‌رسد در این زمینه انجام شده باشد، فتوایی است که رشید رضا (۱۹۰۳م)، نگارنده تفسیر المنار، به استادش شیخ محمد عبده نسبت می‌دهد. وی در مجله المنار می‌نویسد: «عده‌ای از مسئولان دولت و از جمله صندوق ذخیره پست، در نوشته‌ای معمولی برای شیخ محمد عبده نوشتند قریب ۳۰۰۰ نفر از سپرده‌گذاران در این مؤسسه از گرفتن سود آن به جهت حرمت رباخواری خودداری می‌کنند و از او خواستند تا راهی بیندیشد تا این عده بتوانند از این منافع استفاده کنند. عبده به‌طور شفاهی گفته است: «ربا در هر صورت حرام است. اما اموال صندوق را می‌توان بر طبق مضاربه به کار گرفت.» (افراهانی‌فرد، ۱۳۷۸: ۸۰)

در دهه قبل از شصت قرن بیستم میلادی، کتاب‌ها و مقالاتی با رویکرد تئوری‌سازی فوق نگارش یافته‌اند که از جمله می‌توان به کتاب «الربا» ابوالاعلی مودودی (۱۹۰۳ - ۱۹۷۹م) و «اطار البنوک اللاربویه» دکتر محمد عزیز (۱۹۵۹) اشاره کرد. کتاب‌هایی که در دهه شصت تألیف و گردآوری گردیده‌اند، بیش‌تر خطوط اساسی و اصلی بانک‌داری اسلامی را به‌عنوان یک نظریه

و تئوری علمی پردازش و تشریح کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به کتاب «النظام المصرفي اللاربوي» محمد نجات‌الله صدیقی (۱۹۵۶) و «البنک اللاربوي فی الاسلام» سید محمدباقر صدر اشاره کرد.

## ۲-۲. تأسیس بانک اسلامی یا بدون ربا در مقام عمل و اجرای آن در برخی از کشورهای اسلامی

بعد از طرح نظری و تئوری‌پردازی علمی بانک‌داری بدون ربا توسط دانشمندان اسلامی، تطبیق عملی اندیشه و نظریه تأمین مالی اسلامی و بانک‌داری بدون ربا از حدود ۵۵ سال قبل آغاز شد که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌گردد.

نخستین بانک اسلامی در مصر در سال ۱۹۶۳م، با تأسیس بانک پس‌انداز روستایی MIT قمر به وجود آمد. در همین زمان، طی سال‌های ۶۴-۱۹۶۳ تجربه دیگر در مالزی به وقوع پیوست که به‌عنوان «تابون حاجی» شناخته می‌شد. تجربه مالزی تجربه‌ای بسیار موفقیت‌آمیز بود که نمونه‌ای بارزی از تکامل بانک‌داری و تأمین مالی اسلامی در دهه‌های اخیر به‌شمار می‌رود؛ چنان‌که در سال ۱۹۶۳، تابون حاجی بانک دیگری که یک بانک تجاری اسلامی بود، به‌نام بانک اسلامی تأسیس کرد و تابون حاجی سرمایه مناسبی برای آن فراهم کرد (همایون‌دار، ۲۴). در اوائل دهه هفتاد میلادی، بانک اجتماعی ناصر (۱۹۷۱م) در مصر تأسیس شد. در اردن نیز مؤسسه اداره و توسعه اموال ایتم طبق شریعت اسلامی در سال ۱۹۷۲م تأسیس گردید. بانک توسعه اسلامی (IDB) در سال ۱۹۷۴م، توسط سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی ایجاد گردید که اولین بانک اسلامی دولتی بود. عملیات این بانک بدون بهره و بر مبنای شریعت اسلامی است. بانک توسعه اسلامی بر مبنای مشارکت در سود به کشورهای عضو کمک مالی می‌کند.

در دهه هفتاد، تعداد بسیاری از بانک‌های اسلامی در خاورمیانه پا به عرصه وجود گذاشتند. به‌عنوان نمونه: می‌توان از بانک اسلامی دبی (۱۹۷۵)، بانک اسلامی فیصل در سودان (۱۹۷۷)، بانک اسلامی فیصل در مصر (۱۹۷۷) و بانک اسلامی بحرین (۱۹۷۹) نام برد (هرورانی و زه‌تایبان، ۱۳۸۶: ۲۸). البته بانک‌های اسلامی در کشورهای غیر مسلمان مثل مؤسسه مالی بزرگ اسلامی (بانک اسلامی) در سوئیس (۱۹۸۱م)، بانک اسلامی بین‌المللی در دانمارک (۱۹۸۳م)، بانک توسعه و سرمایه‌گذاری اسلامی برکت در انگلستان (۱۹۸۱م)، بانک اسلامی در لوکزامبورگ

(۱۹۷۸م)، بانک اسلامی در بخش ترک‌نشین قبرس (۱۹۸۲م) و مؤسسات تأمین مالی اسلامی در هند (۱۹۸۵م) (الشرق‌آوی المالقی، ۲۰۰۰م: ۸۵) در دهه‌های هشتاد و نود میلادی پا به عرصه وجود گذاشتند.

برخی از کشورهای اسلامی در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی، اولین تجربه تطبیق بانکداری اسلامی را به صورت کامل تجربه کرده‌اند، مثل سودان (۱۹۷۵م)، پاکستان (۱۹۸۱م) و ایران (۱۹۸۴م) (زعتری، ۱۴۲۹ق: ۴۹).

### ۳. بانکداری خرد (تأمین مالی خرد Microfinance)

بانک‌ها برحسب وظایف و گستره کارکرد خویش به بانک‌های تجاری، تخصصی و سرمایه‌گذاری تقسیم می‌شوند. بانکداری تجاری نیز به بانکداری خرد و بانکداری کلان تقسیم می‌گردد. بانک‌های تجاری بزرگ در درون مرزهای کشور مادر، فعالیت بانک‌های خرد و کلان را توأمان انجام می‌دهند؛ ولی در خارج از کشور، عمدتاً بر روی فعالیت بانکداری کلان متمرکز می‌شوند (والدز و وود، ۱۳۸۶: ۷۷). عمده فعالیت بانکداری کلان بر روی موضوعاتی مثل وام‌دهی در سطح کلان، بازارهای پول، ارز و تأمین مالی بازرگانی متمرکز است. بانکداری تجاری خرد طیف وسیعی از انواع خدمات مثل افتتاح انواع سپرده، پرداخت‌ها، عملیات پولی؛ انواع وام بانکی مثل وام شخصی، وام رهنی، اضافه برداشت و کارت اعتباری، کیف پول الکترونیک، خرید و فروش اوراق بهادار، مشاوره مالی و پولی، ارز، بیمه و صندوق امانات را انجام می‌هد (عبداللهی و میثمی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

#### ۳-۱. تعریف بانکداری خرد

در تعریف بانکداری خرد/ کوچک بیش‌تر جنبه اعطای تسهیلات و وام‌دهی که یکی از وظایف آن است، مورد توجه قرار گرفته است. تأمین مالی خرد را می‌توان به‌عنوان سازوکار عرضه خدمات مالی گوناگون به گروه‌های با درآمد پایین، مانند صنعت‌گران، کشاورزان و پیمان‌کاران خرد تعریف نمود (عبداللهی و میثمی، ۱۳۹۰: ۱۲۴). مؤسسه تأمین مالی اعتباری خرد یا بانکداری خرد، مؤسسه‌ای است که وظیفه اصلی آن، پرداخت اعتبار و تسهیلات خرد و کوچک به متقاضیان نیازمند که به دلایلی نمی‌توانند از بانک‌های تجاری کلان وام بگیرند،

می‌باشد. با توجه به ماهیت، ویژگی‌ها، اهداف و کارکرد تأمین مالی خرد، می‌توان آن را با عبارت «کم، کوتاه، سریع و بدون وثیقه» تعریف کرد. این تعریف علاوه بر موجز بودن، بیان‌کننده بسیاری از ویژگی‌های آن نیز می‌باشد. طبق این تعریف، مقدار وام در روش تأمین مالی خرد، اندک و کم است و برای کوتاه‌مدت در نظر گرفته شده و بدون بروکراسی و سریع و بدون اخذ وثیقه فیزیکی به متقاضیان اعطا می‌شود.

## ۳-۲. تأمین مالی خرد اسلامی

### ۳-۲-۱. تاریخچه تأمین مالی خرد اسلامی

قرض یا تأمین مالی خرد در ملت‌های گذشته نیز وجود داشته است؛ چنان‌که بابلی‌ها و فنیقی‌ها برای تجارت و عبرانی‌ها به صورت کوتاه‌مدت به هم قرض می‌دادند و یهودیان هم معتقد بودند که می‌بایست به برادران فقیر خود قرض بدون ربا بدهند (نقیبی، ۱۳۸۲: ۱۷) و آیه ۱۲ سوره مائده نیز که در مورد میثاق بنی اسرائیل (لئن أقمتم الصلوه و آتیتم الزکوه و آمتتم برسلی و عزرتموهم و أقرضتم الله قرضاً حسناً لأکفرن عنکم سیئاتکم) می‌باشد، گویای آن است که مفهوم قرض در نزد آن قوم شناخته شده بوده است. هم‌چنان قرض همراه با بهره در میان اعراب جاهلی قبل از ظهور اسلام وجود داشته است که آیاتی از قرآن بر پیامبر نازل شد و اخذ ربا را به تدریج تحریم کرد.

### ۳-۲-۲. ویژگی تأمین مالی اسلامی

تأمین مالی اسلامی هرچند به لحاظ ویژگی‌ها و مشخصات، شبیه تأمین مالی متعارف می‌باشد و این دو تشابهات گوناگونی با هم دارند؛ اما در برخی موارد، تفاوت ماهوی دارند که در ادامه بدان اشاره خواهد شد.

**الف) حذف بهره:** در تأمین مالی متعارف، بهره یکی از چالش‌های مهم آن است. در واقع، تأمین مالی متعارف بر اساس دریافت بهره انجام می‌شود که معمولاً درصد بهره دریافتی بالاتر از نرخ‌های معمول در اقتصاد است. اما در روش تأمین مالی اسلامی که از طریق سه‌گانه صدقه، قرض الحسنه و عقود مبادله‌ای انجام می‌شود، در هر سه مورد اخذ بهره (ربا) وجود ندارد؛ هرچند ممکن است در برخی از آن‌ها سودی لحاظ گردد (عبداللهی و میثمی، ۱۳۹۰: ۱۲۴).



ب) استفاده از عقود اسلامی در تخصیص منابع: تأمین مالی متعارف به طور عمده بر اساس قرارداد قرض و دریافت بهره (ربا) انجام می‌شود؛ اما با توجه به حرمت ربا در اقتصاد اسلامی، لازم است در ارائه تأمین مالی اسلامی از عقود مختلفی که در نظام مالی اسلام وجود دارد، استفاده شود؛ زیرا از قرارداد قرض با بهره نمی‌توان استفاده کرد. عقود که در بانک‌های اسلامی به‌منظور ارائه تسهیلات مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌توان در چهار گروه کلی تقسیم‌بندی کرد (موسویان، ۱۳۸۶: ۸۹).

۱. عقود مشارکتی: در این عقود مؤسسه مالی تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز به‌منظور انجام فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری و یا خدماتی) را تأمین می‌کند و در نهایت و بر اساس قراردادی که با کارفرما منعقد کرده است، سود فعالیت تقسیم می‌گردد. این عقود عبارت‌اند از: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه و مساقات.

۲. عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت: در این دسته از عقود مؤسسه تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز به‌منظور انجام فعالیت اقتصادی و یا برطرف نمودن نیاز یک خانوار را تأمین می‌کند؛ با این تفاوت که بعد از انعقاد قرارداد و قبل از انجام فعالیت اقتصادی، سود مؤسسه معلوم و معین است. این عقود عبارت‌اند از: فروش اقساطی، خرید دین و اجاره به شرط تملیک.

۳. عقود مبادله‌ای با بازدهی متغیر: در این عقود نیز مؤسسه بخشی از سرمایه مالی مورد نیاز برای انجام یک فعالیت اقتصادی و یا پول مورد نیاز یک خانوار را تأمین می‌کند. به مقتضای ماهیت این عقود، سود مؤسسه متغیر بوده و بستگی به تحولات اقتصادی و یا قیمت‌های نسبی در بازار واقعی دارد. این عقود شامل دو مورد یعنی معاملات سلف و جعاله می‌گردد.

۴. قرض الحسنه: در این عقد مؤسسه مالی منابعی را که در اختیار دارد، بر اساس عقد قرض الحسنه در اختیار بنگاه تولیدی و یا خانوار نیازمند قرار داده و تنها به گرفتن کارمزد بانکی اکتفا می‌کند.

ج) توجه به پایین‌ترین گروه‌های درآمدی: این ویژگی بیش‌تر مرتبط به تأمین مالی خرد اسلامی می‌باشد. همان‌طور که تحقیقات تأمین مالی خرد نشان می‌دهند، معمولاً اکثر مؤسسات تأمین مالی کوچک متعارف به استثنای بانک گرامین بنگلادش، به گروه‌های ضعیف‌تر فقرا (فقیرترین فقرا) توجهی نمی‌کنند. توجیهی نیز که در این رابطه ارائه می‌شود آن است که ارائه تأمین مالی خرد به گروه‌های به‌شدت فقیر نه تنها باعث نجات آن‌ها نمی‌شود؛ بلکه به علت عدم

توانایی در بازپرداخت تسهیلات اعطایی، باعث می‌شود آنان هرچه بیش‌تر مدیون گردیده و در آینده فقیرتر نیز گردند؛ اما در نظام اقتصاد اسلامی با توجه به نهادهای اسلامی که وجود دارد (مانند زکات، صدقه، قرض‌الحسنه)، مؤسسات تأمین مالی خرد می‌توانند به‌منظور حمایت از گروه‌های به‌شدت فقیر در موقعیت بهتری قرار گیرند (Karanshawy, H. 2007,18).

#### ۴. تاریخچه بانک و بانک‌داری در افغانستان

بیش از هشت دهه از عمر بانک‌داری در افغانستان می‌گذرد؛ قبل از آن تاریخ امور مالی و تبادلات پولی و ارزی افغانستان از طریق صرافی‌هایی که در شهرهای بزرگ افغانستان مستقر بودند، انجام می‌گرفت. در سال ۱۳۰۷ ش، دولت وقت مؤسسه‌ای را به‌نام شرکت سهامی به‌منظور حمایت از ارزش پول افغانی در مقابل ارزهای خارجی ایجاد کرد. این شرکت اولین مؤسسه تمرکز سرمایه در کشور بود که مجموع سرمایه آن در سال ۱۳۰۹ ش بالغ بر ۵ میلیون افغانی می‌گردید (حیات، ۱۳۶۹: ۹).

شرکت مذکور بر اساس مصوبه هیأت وزیران وقت، در ۱۳۱۱/۶/۲۸ ش، مجوز بانکی گرفت و در تاریخ ۱۳۱۲/۲/۹ به‌نام بانک ملی افغان به فعالیت آغاز کرد. در واقع، این بانک یک بانک تجاری بود که نقش یک بانک جامع را نیز ایفا می‌کرد. بانک ملی افغان از بدو تأسیس تا سال ۱۳۱۸ ش، وظایف بانک مرکزی (د افغانستان بانک) را نیز به عهده داشته است. در سال ۱۳۱۸ ش، بانک مرکزی افغانستان (د افغانستان بانک) در کابل تأسیس شد و در ۲۶ دلو همان سال، این بانک پول‌های جدیدی را به چاپ رساند (پول افغانستان برای اولین بار در سال ۱۲۹۸ ش، در دوران امان‌الله خان، به ارزش یک روپیه کابلی به چاپ رسیده بود) (حسین‌زاده، <http://banknevesht.shokri.ir> / 1388).

نظام بانکی افغانستان که متشکل از بانک مرکزی و شش بانک دیگر از جمله دو بانک تجاری (پشتنی تجاری بانک و بانک ملی)، سه بانک تخصصی (بانک رهنی و تعمیراتی، بانک توسعه صنعتی و بانک توسعه زراعتی) و یک بانک دیگر به‌نام بانک توسعه صادرات بود، برای هفت دهه متوالی (۱۳۱۲ تا ۱۳۸۲ ش) بر سرنوشت تاریخی بانک‌داری افغانستان مسلط بود؛ اما طی هفتاد سال عمر خود (به استثنای سال‌های اول تأسیس) نتوانست نیازهای مالی کشور را آن‌گونه که لازم و شایسته بود، برآورده و نقش خود را در اقتصاد افغانستان ایفا کند. نظام بانکی افغانستان

از سال ۱۳۸۲ش با تصویب قانون جدید نظام بانکی و همزمان با اصلاحات اقتصادی (رویکرد به اقتصاد بازار آزاد از اقتصاد دولتی و مدیریت شده) و پولی و حذف سه صفر از پول ملی با کمک مؤسسه برنامه تحکیم اقتصادی افغانستان (Bearing Point) و اداره توسعه بین‌المللی امریکا (USAID)، متحول گردید. طبق برنامه اصلاحات پولی، نخست بستر حقوقی و قانونی اصلاحات بانکی از طریق تصویب قانون بانک مرکزی در ۱۳۴ ماده و قانون بانکداری در ۱۰۱ ماده مساعد شد و سپس نظام بانکی بر اساس آن فعالیت خود را آغاز کرد. بعد از توشیح و انفاذ قانون جدید، ۱۷ مؤسسه بانکی و پولی از جمله دو بانک دولتی، ۹ بانک خصوصی و ۶ نمایندگی بانک‌های خارجی (توسلی غرjestانی، ۱۳۹۴: ۲۷۹) مجوز رسمی بانک مرکزی را بعد از تکمیل مراحل قانونی به دست آورده و مشغول خدمات بانکی و تأمین مالی گردیدند. در حال حاضر قانون بانکداری تعدیل و پس از تعدیل و ایزاد در ۱۷۸ ماده نافذ شده است.

#### ۱-۴. وضعیت فعلی بانکداری در افغانستان

اکثر بانک‌های فعلی طبق استاندارد بین‌المللی از طریق اتصال به سیستم کامپیوتری مرکزی (CBS)، اتصال به شبکه نقل و انتقال بین‌المللی پول (SWIFT)، سیستم بانک‌های بین‌المللی (Commerze Bank) و کسب عضویت شبکه WESTERN UNION ارائه خدمات می‌کنند. هرچند در افغانستان صنعت بانکداری نوین در مرحله آغازین خود قرار دارد، در عین حال بعد از گذشت ۱۴ سال پس از انفاذ قانون بانکداری جدید که بخش خصوصی وارد بازار پولی و مالی کشور گردید، می‌توان گفت که این صنعت پایه‌پای رشد اقتصادی افغانستان در چند سال اخیر رشد و شکوفایی داشته؛ هرچند تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله زیادی دارد و بحران کابل‌بانک از هرجهت روی صنعت نوپای بانکداری افغانستان تأثیر منفی و مخربی بر جای گذاشته است.

نرخ ذخیره قانونی طبق قانون فعلی بانکداری افغانستان، ۸ درصد است و حداقل موجودی برای افتتاح حساب جاری و پس‌انداز برای اشخاص حقیقی یک هزار افغانی و برای اشخاص حکمی (شرکت‌ها، مؤسسات و ارگان‌های دولتی) ۱۰ هزار افغانی یا معادل آن از ارزهای معتبر خارجی است. حداقل سپرده در حساب سرمایه‌گذاری (میعادی) ۱۰۰ هزار افغانی یا ارزهای خارجی ۲۰۰۰ دلار، پوند یا یورو است که در مقاطع سه‌ماهه، شش‌ماهه و یک‌ساله صورت می‌گیرد و سود آن به ترتیب ۴٪، ۲۵٪ و ۳۵٪ افغانی در سال است. اگر سپرده سرمایه‌گذاری با

ارزهای خارجی مثل دلار باشد، نرخ بهره آن به ترتیب برای مقاطع سه ماهه، شش ماهه و یک ساله، ۲٫۵٪، ۲٫۸٪ و ۳٪ می باشد.

در بخش اعطای تسهیلات، بانک‌های تجاری تنها به تجار و بازرگانان و شرکت‌های تولیدی تسهیلات پرداخت نموده و در غالب موارد از ارائه تسهیلات و اعطای وام به عموم مردم به دلایلی از جمله نبود وثیقه مورد اعتماد و نظر بانک‌ها خودداری می کنند. نرخ بهره دریافتی از بازرگانان معمولاً در حدود ۱۸٪ سالانه است.

## ۲-۴. زمینه‌ها و شرایط بانک‌داری اسلامی در افغانستان

هر برنامه و سیاستی که در بستر اجتماعی جریان یابد و اجرا گردد، مستلزم همراهی و همدلی داوطلبانه افراد جامعه با آن است. طبعاً برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی نیز از این قاعده مستثنا نیست. موفقیت سیستم بانک‌داری اصولاً مرهون اعتماد و اطمینان مشتریان و مراجعه‌کنندگان است؛ بنابراین، سیستم بانکی‌ای در افغانستان می‌تواند موفق باشد که علاوه بر شفافیت مالی و داشتن ترازنامه عملیاتی مثبت سالانه، بتواند اطمینان و اعتماد اکثریت مردم افغانستان را جلب کند. با توجه به شرایط و جو غالب دینی، اجتماعی و فرهنگی مردم افغانستان، می‌توان پیش‌بینی کرد که در صورت رقابت سالم میان سیستم بانک‌داری ربوی و غیر ربوی (اسلامی)، سیستم غیر ربوی به‌خاطر پاسخ‌گویی به نیاز مذهبی مشتریان و توجه به ابعاد مسئولیت اجتماعی و فرهنگی، بهتر می‌تواند اطمینان و اعتماد آنان را جلب کند؛ در حالی که بانک‌های تجاری موجود صرفاً اهداف تجاری داشته و از اهداف اجتماعی و از ارائه کمک و تسهیلات به قشر آسیب‌پذیر جامعه غافل‌اند. البته این موفقیت در صورتی حاصل خواهد شد که بانک‌داری اسلامی در افغانستان لوازم موفقیت از قبیل ساده‌سازی فعالیت‌ها، شفافیت در عملکردها و اجراءات، معرفی و تبلیغات مناسب محصولات و قراردادهای بانک‌داری اسلامی، شناسایی نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت صنعت بانک‌داری و جلب اعتماد مردم از طریق توجه به مسئولیت‌های اجتماعی بانک‌داری اسلامی را فراهم سازد؛ در غیر این صورت، با روش سیستم بانک‌داری متعارف تفاوتی چندانی نخواهد داشت و موفقیت آن هم پرسش‌برانگیز و با چالش مواجه خواهد شد.

## ۳-۴. چالش‌های بانک‌داری اسلامی در قانون بانک‌داری جدید

هرچند نفس توجه به سیستم دوگانه بانک‌داری (اسلامی و متعارف) و بالابردن حق انتخاب

مشتریان در استفاده از خدمات و تسهیلات بانکی، طبق ارزش‌های مورد نظر آن‌ها، کار ارزشمند است؛ اما اگر توجه لازم به روش‌های تجهیز و تخصیص منابع و نحوه قراردادهای مورد استفاده از نظر کارآیی در بانکداری اسلامی نشود، دیر یا زود ممکن است با مشکلات پرشماری روبه‌رو شود.

در قانون بانکداری تعدیل‌شده سال ۱۳۹۴ خورشیدی، فقط اصل بانکداری اسلامی در طی چند ماده مطرح شده است؛ اما تا هنوز یک طرز‌العمل یا مقررہ جامع و کاربردی از طرف بانک مرکزی (د افغانستان بانک) در مورد نحوه بانکداری اسلامی و روش مورد استفاده به صورت متحدالمال در بانک‌هایی که تمایل به ارائه خدمات مالی اسلامی دارند، تدوین نشده است. این موضوع می‌تواند به یک هرج و مرج، سردرگمی و اتخاذ روش‌های دوگانه و گاه چندگانه در بانکداری و تأمین مالی اسلامی منجر شود. در قانون بانکداری تعدیل‌شده سال ۱۳۹۴ در مورد بانکداری اسلامی در ماده‌های ۸۸، ۸۹، ۹۰ و ۹۱ که در ۱۹ فقره تدوین شده، به صورت کلی چهار موضوع اساسی تحت عناوین جواز بانکداری اسلامی، تبدیل بانک متعارف به بانک اسلامی یا ایجاد شعبه بانکداری اسلامی در درون بانک متعارف، تشکیل بورد شرعی و فعالیت‌های بانکداری اسلامی، مطرح شده است؛ اما در مورد جزئیات الگوی بانکداری اسلامی آن‌گونه که بتواند موجب کارآیی آن و جلب اعتماد عمومی شود، تا کنون از طرف بانک مرکزی اقدام مؤثر نشده است.

## بنیاد اندیشه

هرچند در فقره دو ماده ۸۸ چنین آمده است: «بانک اسلامی، اداره و فعالیت خود را به‌طور سالم و محتاطانه مطابق احکام این قانون، اصول شرعی، مقررہ‌ها و شرایط منضمه جواز بانکداری اسلامی که توسط د افغانستان بانک صادر می‌گردد، تنظیم و اجرا می‌نماید.» با وجود این که بانک مرکزی (د افغانستان بانک) تنها نهاد صادرکننده مجوز فعالیت بانکی و پولی است که نظارت و کنترل فعالیت بانک‌ها نیز از وظایف آن است، اما این نهاد در فقره ۳ ماده ۸۸، در قبال بانکداری اسلامی و نظارت بر آن، از خود رفع تکلیف نموده است. «بانک اسلامی و بورد شرعی آن در انجام فعالیت‌های خویش مکلف به رعایت اصول شریعت اسلامی بوده، د افغانستان بانک در این رابطه مسئولیت ندارد.»

هم‌چنین در این قانون در ماده ۹۰ در طی هشت فقره در مورد ایجاد بورد شرعی و وظایف آن توضیحات و معیارهایی را یادآوری کرده است؛ اما به نظر می‌رسد که این شرایط نمی‌تواند

باعث کارآیی بانک اسلامی یا بانک متعارف که خدمات بانک اسلامی هم را ارائه می‌کند، گردد؛ مگر این‌که طی یک طرزالعمل جداگانه برای بانک‌ها جزئیات موضوع را به درستی مشخص کند. اعضای بورس شرعی می‌بایست علاوه بر تخصص در زمینه فقه معاملات، در زمینه امور مالی و بانکی نیز دارای تخصص و تجربه عملی باشند؛ اما در فقره دوم و سوم این ماده تنها برای اعضای بورس شرعی، به «داشتن دانش فقه و تجربه در امور عملیات بانکداری اسلامی» بسنده شده است؛ در حالی‌که نه دانستن فقه برای تنظیم امور بانکداری به‌تنهایی کافی است و نه تجربه عملی می‌تواند پیچیدگی‌های عملیاتی بانکداری اسلامی و تعریف قراردادهای نوین - طبق نیازمندی‌های نو در زمینه امور مالی و بانکی - در این مورد را فراهم کند؛ بنابراین، کسی می‌تواند به‌عنوان عضو بورس شرعی در بانکداری اسلامی انتخاب شود که هم در زمینه فقه، به‌ویژه فقه معاملات، تخصص کافی داشته باشد و هم در زمینه بانکداری و امور مالی (فایننس) از دانش و تخصص لازم برخوردار بوده و تئوری‌های امور مالی، بانکی، بیمه و انواع تجارت خارجی و شرایط آن را به درستی بداند.

بنابراین، بهتر است که در مقرره مربوط به بورس شرعی بانکداری اسلامی برای اعضای بورس، تخصص در دو مورد یعنی هم در فقه اسلامی، به‌ویژه در فقه معاملات، شرط شود و هم تخصص و دانش لازم در زمینه امور مالی و بانکی. تجربه عملی در بانکداری، بدون تخصص در امور بانکی و شناخت انواع قراردادها و تئوری‌های بانکداری و تأمین مالی اسلامی برای یک عضو بورس شرعی در بانکداری اسلامی کفایت نمی‌کند.

در ماده ۹۱ هرچند به‌صورت کلی فعالیت‌های بانکداری اسلامی و قراردادهای مجاز لیست شده؛ اما جزئیات این قراردادها و روش بانکداری اسلامی مبتنی بر آن برای بانکدار به‌صورت دقیق روشن نشده است. در فقره اول همین ماده چنین آمده است: «بانک اسلامی می‌تواند مطابق مندرجات جواز بانکداری، شریعت اسلامی و مقرره مربوط، فعالیت‌های ذیل را انجام دهد:

- ۱- دریافت سپرده‌های پولی و سایر وجوه قابل پرداخت به‌شمول حسابات سرمایه‌گذاری؛ ۲- تمویل فعالیت‌ها یا سرمایه‌گذاری به‌شمول مضاربه، مرابحه، مشارکت، صکوک، قرض‌حسنه، اجاره، استصناع، بیع سلم، ودیعه، بیع مؤجل و سایر فعالیت‌های مالی و بانکی که به تصویب بورس شرعی بانک رسیده باشد؛ ۳- تمویل، خرید، فروش، نگهداری و اجاره اموال منقول و غیر منقول؛ ۴- صدور اسناد بهادار به‌شمول صکوک؛ ۵- انجام معاملات مربوط تبادل و عرضه

خدمات تبادلۀ اسعار خارجی؛ ۶- عرضه خدمات متنوع بانکی و مالی برای مشتریان و مردم عامه بر طبق مقررۀ مربوط.»

هرچند در این فقره به مقررۀ مربوط به بانکداری اسلامی اشاره شده است؛ اما بیان نشده است که این مقررۀ توسط بانک مرکزی تهیه و ابلاغ می‌شود یا بورد شرعی بانک‌های تجاری و یا نهاد دیگر آن را وضع و اعلام می‌کنند.

وظایف هیئت/ بورد نظارت شرعی را می‌توان چنین فشرده و پیشنهاد کرد: (۱) بررسی انطباق معاملات بانکی و مؤسسات تأمین مالی با موازین شرعی؛ (۲) پیشنهاد، تصحیح و یا ابداع قراردادهای جدید و مورد نیاز بانکداری اسلامی؛ (۳) پاسخ‌گویی به شبهات مطرح در مورد ماهیت و چیستی معاملات جدید بانکی؛ (۴) ارائه پیشنهادهای کاربردی و بررسی فقهی آن جهت تسهیل امور بانکی و مالی از طریق نهادهای قانونی و مراکز تصمیم‌گیری.

لذا پیشنهاد می‌گردد که بانک مرکزی به‌خاطر جلوگیری از به‌وجود آمدن روش‌های دوگانه و چندگانه، الگو یا مدل مشخصی از نحوه بانکداری اسلامی را با قراردادهای مشخص که هم کارایی داشته باشند و هم از لحاظ شرعی مشکل نداشته باشند، تدوین کرده و به تمام بانک‌هایی که تمایل به ارائه خدمات بانکی اسلامی دارند، عرضه کند و خود به‌عنوان متولی و ناظر بر صنعت بانکداری بر عملکرد بانک‌ها و از جمله بانکداری اسلامی از نظر رعایت اصول و معیارهای استندرد بانکداری نظارت جدی و کاربردی داشته باشد؛ زیرا هر قرارداد که شرعی باشد، لزوماً به‌معنای کارآبودن آن در صنعت بانکداری نیست.

## ۵. الگوی پیشنهادی

در الگوی بانکداری اسلامی پیشنهادی، مبانی و معیارهایی در نظر گرفته شده است که جهت ضمانت اجرایی و جلب اقبال عمومی مردم به سیستم جدید بانکداری، رعایت دقیق و شفاف آن لازم است؛ بنابراین، قبل از طرح الگوی پیشنهادی، اشاره‌گذاری به این مبانی و معیارها ضروری به‌نظر می‌رسد.

### ۵-۱. مبانی و معیار فقهی الگوی پیشنهادی

با توجه به این‌که اکثریت مردم افغانستان مسلمان و پیرو دو مذهب حنفی و جعفری‌اند،

الگوی پیشنهادی به‌طور عمده بر اساس مبانی فقه فریقین طراحی و مهندسی شده است تا آن‌ها بدون دغدغه و مشکل بتوانند از خدمات بانک‌داری اسلامی استفاده کنند.

### ۱-۱-۵. لحاظ همزمانی معیار اقتصادی و اهداف اجتماعی

در اقتصاد، و به‌خصوص بانک‌داری، استفاده از ابزارهایی که از کارایی بهتر برخوردارند، در اولویت بلکه جزو نیازهای اساسی امور مالی می‌باشد. پول جزو کالای کمیاب است که همگان به‌طور مساوی بدان دسترسی ندارند؛ لذا برای تخصیص بهینه منابع و استفاده کارآ از آن در بانک‌داری اسلامی، به‌خصوص بانک‌داری خرد اسلامی، از عقود و ابزارهایی استفاده گردد که علاوه بر مشروعیت، از کارایی نیز برخوردار باشد؛ چه این‌که هر عقدی که مشروع باشد، لزوماً از کارایی برخوردار نیست. از سوی دیگر، یکی از شاخصه‌های مهم اقتصاد اسلامی و از جمله بانک‌داری خرد اسلامی، اهداف اجتماعی و ریشه‌کن کردن فقر از جامعه است. به عبارت دیگر، یکی از اولویت‌های بانک اسلامی فراهم‌سازی دسترسی همه اقشار جامعه به منابع موجود و تأمین رفاه عمومی است که این مهم تنها از طریق اعطای اعتبارات خرد بدون وثیقه و جایگزین کردن اعتبار گروهی به جای وثیقه برای متقاضیان تسهیلات که توانایی تأمین وثیقه را ندارند، می‌باشد.

### ۲-۱-۵. مراعات اصول و ارزش‌های نظام اقتصاد اسلامی

مهم‌ترین فرق بین بانک‌داری اسلامی و بانک‌داری غیر ربوی، توجه به ارزش‌ها، مبانی و اصول نهفته در نظام اقتصاد اسلامی است. در بانک‌داری غیر ربوی پایبند بودن به همه اصول و ارزش‌های نظام اقتصادی اسلام لازم نیست؛ در حالی که تحقق نظام بانک‌داری اسلامی، بدون اصول مذکور امکان‌پذیر نمی‌باشد. مهم‌ترین اصول و مبانی بانک‌داری اسلامی که به‌عنوان اصول موضوعه در الگوی پیشنهادی مورد توجه قرار گرفته است، عبارت‌اند از: ممنوعیت اکل مال به باطل<sup>۱</sup>، ممنوعیت ضرر و ضرار (حر عاملی، ۱۳۷۲: ۴۲۹)، ممنوعیت غرر (همان، ۴۲۹) و ممنوعیت ربا و اجتناب از اخذ بهره<sup>۲</sup>.

شاخص‌ترین تفاوت نظام اقتصادی اسلامی با سایر نظام‌های اقتصادی، ممنوعیت ربا است. در حالی که در اقتصاد متعارف، در تمام زمینه‌ها و به اشکال گوناگون، پرداخت مستقیم ربا به

۱. لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل... سورة بقره/ ۱۸۸ و سورة نساء/ ۲۹.

۲. بقره/ آیات ۲۷۵-۲۷۹ و آل عمران/ آیات ۱۳۰-۱۳۱.



سپرده‌گذاران، اوراق قرضه، وام‌ها و اعتبارات بانکی، کارت‌های اعتباری و اعتبار در حساب جاری و... ربا و بهره جریان دارد، اسلام ربا و اخذ بهره را حرام کرده و آن را ممنوع قرار داده است. اصولاً اندیشهٔ ایجاد و تأسیس بانک‌داری اسلامی - همان‌گونه که قبلاً اشاره شد - با هدف مبارزه و ریشه‌کن کردن ربا از سیستم بانکی کشورهای اسلامی به وجود آمد.

## ۲-۵. مدل الگوی پیشنهادی

در الگوی پیشنهادی بانک اسلامی در بخش تجهیز و تخصیص منابع و ارائه خدمات بانکی می‌تواند از روش‌ها و ابزارهای زیر استفاده نماید.

جدول ۱: فعالیت‌های بانک‌داری اسلامی در الگوی پیشنهادی

تخصیص منابع			تجهیز منابع		
سود	رابطه حقوقی	نوع سپرده	سود	رابطه حقوقی	نوع سپرده
معین	بیع نسبه	۱. بیع مرابحه (فروش اقساطی)	صفر متغیر	قرض بدون بهره وکالت عام	۱. سپرده جاری ۲. سپرده پس‌انداز ۳. سپرده
متغیر	شرکت خاص	۲. مضاربه ۳. مشارکت	متغیر	وکالت خاص	سرمایه‌گذاری خاص ۴. سپرده
متغیر	شرکت عام	- مشارکت مدنی	متغیر	وکالت عام	سرمایه‌گذاری عام
متغیر	شرکت عام	- مشارکت حقوقی			
		۴. سرمایه‌گذاری مستقیم			
معین	اجاره	۵. اجاره به شرط تملیک			
معین	بیع سلف	۶. سلف			
معین	بیع یا عقد جدید	۷. استصناع			
معین	قرارداد جعاله	۸. جعاله			



جدول ۲: فعالیت‌های بانک‌داری اسلامی خرد در الگوی پیشنهادی

تخصیص منابع			تجهیز منابع		
سود	رابطه حقوقی	نوع سپرده	سود	رابطه حقوقی	نوع سپرده
کارمزد کارمزد	قرض بدون بهره هبه	الف) قراردادهای غیر انتفاعی: ۱. قرض الحسنه ۲. هبه یا کمک بلاعوض	صفر	قرض بدون بهره	۱. سپرده قرض الحسنه
			صفر	قرض بدون بهره وکالت عام	۲. سپرده جاری ۳. سپرده پس انداز ۴. جذب وجوه از طریق
معین	بیع نسبه	ب) قراردادهای انتفاعی: ۱. بیع مرابحه (فروش اقساطی)	صفر	وکالت عام	۵. جذب وجوه از طریق مؤسسات و نهادهای خیریه
			صفر	وکالت خاص	۶. جذب وجوه از طریق موقوفات عمومی و ایجاد صندوق صدقه جاریه
معین	اجاره	۲. اجاره به شرط تملیک	صفر	وکالت	
معین	بیع سلف	۳. سلف			
معین	بیع یا عقد جدید	۴. استصناع			
معین	قرارداد جعاله	۵. جعاله			



## ۱-۲-۵. تجهیز منابع پولی در تأمین مالی خرد اسلامی

الف) سپرده قرض الحسنه: برخی از مردم متدین در سایه تشویقات دینی، مایل اند مقداری از وجوه مازاد بر مصرف و سرمایه گذاری خود را به اعطای قرض الحسنه (قرض بدون سود) به افراد نیازمند اختصاص دهند و لیکن گاهی نمی خواهند یا توان ندارند مستقیماً با متقاضیان تسهیلات در ارتباط باشند. این نوع حساب بانکی برای همین قشر جامعه منظور شده است تا بانک بتواند با جذب این سپرده ها، آن ها را به افراد مستحق و نیازمند برساند. این نوع سپرده بر اساس عقد قرض به ملکیت بانک داخل شده، عندالمطالبه کل یا بخشی از آن به صاحبان سپرده برگردانده می شود. بر این نوع سپرده هیچ گونه بهره ای تعلق نمی گیرد. بانک اسلامی با کسر ذخایر قانونی و احتیاطی، وجوه حاصل از این طریق را تنها از طریق عقد قرض الحسنه با دریافت کارمزد واقعی در اختیار متقاضیان می گذارد.

ب) سپرده جاری: این حساب از جهت ماهیت حقوقی و روش اجرایی، همانند حساب جاری در بانک های متعارف خواهد بود؛ یعنی ماهیت حقوقی این سپرده ها ماهیت عقد قرض

است و هیچ‌گونه سودی بر آن‌ها تعلق نگرفته و به ملکیت بانک درآمده و جزو منابع بانک خواهد بود و بانک می‌تواند با کسر ذخایر قانونی و احتیاطی، از باقی‌مانده آن در اعطای تسهیلات کوتاه‌مدت استفاده نماید.

**ج) سپرده پس‌انداز (وکالت در عقود مبادله‌ای):** این حساب نیز همانند حساب پس‌انداز در بانک‌های متعارف خواهد بود؛ با این تفاوت که در بانک‌داری متعارف برای صاحبان این حساب بهره پرداخت می‌شود؛ اما در الگوی پیشنهادی به‌لحاظ این‌که بر اساس وکالت در عقود مبادله‌ای مثل فروش اقساطی (بیع مرابحه‌ای)، اجاره به شرط تملیک منظور شده است، بانک اسلامی می‌تواند سود معینی برای آن در نظر بگیرد. این نوع حساب به صاحبان خود این امکان را می‌دهد که وجوه مازاد خود را به هر میزانی باشد، به بانک بسپارند و در عوض، دفترچه پس‌انداز و یا کارت خودپرداز و خوددریافت بانکی (ATM) گرفته و بانک بر اساس مانده میانگین ماهانه این سپرده به آن سود ثابت متناسب با عقود مبادله‌ای پرداخت خواهد کرد.

**د) سپرده پس‌انداز بر مبنای قراردادهای مشارکتی:** یکی از راه‌هایی که می‌توان در بانک اسلامی جهت تجهیز منابع استفاده کرد، قراردادهای مشارکتی از قبیل قرارداد مضاربه و مشارکت (شرکت) است. هرچند در قرارداد مشارکتی سودی که تعلق می‌گیرد، متغیر است؛ اما با توجه به تحلیل مالی و تنوع فعالیت‌های بانکی، بانک‌دار می‌تواند برای این نوع قرارداد با سرمایه‌گذاران خویش نیز سود معین را به‌صورت علی‌الحساب منظور نموده و در پایان دوره به‌صورت قطعی تصفیه حساب نماید.

**ه) تأمین وجوه از طریق جذب وجوه اداره‌شده:** بانک پیشنهادی می‌تواند وجوه اداره‌شده وزارتخانه‌ها و سایر نهادهای دولتی و خصوصی را پذیرفته و به گروه‌های هدف و افراد موردنظر نهادهای مذکور از طریق تأمین مالی کوچک، اعطای وام نماید. مزیت این کار علاوه بر اعطای وام به افراد نیازمند موردنظر تأمین‌کنندگان، نحوه بازپرداخت و مکانیزم عملیاتی آن را به عهده بانک گذاشته و بانک از طریق مهارت و تخصصی که در این زمینه دارد، می‌تواند وجوه آنان را به‌نحوی شایسته سازمان‌دهی و استفاده کند.

**و) جذب منابع از طریق موقوفات عمومی و ایجاد صندوق صدقه جاریه:** در الگوی پیشنهادی، بانک می‌تواند از طریق وجوه حاصل از موقوفات عام و همچنین از طریق ایجاد

صندوقی به نام «صندوق صدقه جاریه»، با هدف تأمین مالی کوچک نیازمندان اقدام نموده و منابعی را از این طریق جذب کند. علاوه بانک می‌تواند از طریق جمع‌آوری بخشی از زکات، منبعی برای تأمین مالی خویش بیابد. پیشنهاد دیگری که مطرح است این است که بانک با همکاری افراد و متنفذان محلی که اعضای بانک در آنجا سکونت دارند، نهادی به نام صندوق صدقه جاریه (چون مشهور فقها وقف پول را جایز نمی‌دانند) تأسیس کنند که وجوه به دست آمده از این طریق تنها در اعطای تسهیلات و وام‌های کوتاه‌مدت به نیازمندان پرداخت شود.

## ۲-۵. تخصیص منابع پولی

عمده مکانیزم‌های تخصیص منابع در این الگو بر اساس قراردادهای غیر انتفاعی (قرض الحسنه و هبه) و انتفاعی (بانک‌داری مبادله‌ای) صورت می‌گیرد؛ بدین معنا که در الگوی پیشنهادی، بانک می‌تواند علاوه بر قراردادهای غیر انتفاعی، از قراردادهای انتفاعی که بازده ثابت دارند، مثل بیع مرابحه‌ای (فروش اقساطی)، اجاره به شرط تملیک، سلف و استصناع و قراردادهای انتفاعی که بازده متغیر دارند، بسان مضاربه، جعاله و مشارکت (حقوقی و مدنی) نیز استفاده کند. برای این که منابع جذب شده برای قراردادهای غیر انتفاعی در غیر مورد استفاده نشوند، می‌توان فعالیت بانک را به دو بخش غیر انتفاعی و انتفاعی تفکیک کرد؛ یعنی بانک موظف است که منابع قرض الحسنه و رایگان را تنها در بخش غیر انتفاعی و با کارمزد واقعی به متقاضیان و نیازمندان اعطا نماید و بخشی دیگر از منابع را که مربوط به قراردادهای انتفاعی است، در عقود مبادله‌ای و در برخی موارد در عقود مشارکتی مورد استفاده قرار دهد.

در الگوی پیشنهادی، تأمین مالی بر بنیاد اعطای اعتبارات کلان و کوچک در نظر گرفته شده؛ اما می‌توان برای تأمین مالی کوچک که با هدف زیر پوشش قراردادن قشر وسیعی از فقرا و نیازمندان طراحی گردیده، آن را به صورت جداگانه مدنظر قرار داد. در تأمین مالی کوچک، قراردادهای غیر انتفاعی و انتفاعی که به گونه‌ای تأمین‌کننده اهداف موردنظر در فعالیت مؤسسات مالی خرد می‌باشند، عبارت‌اند از: (۱) ایجاد اشتغال و فرصت کسب درآمد برای اعضا؛ (۲) افزایش بهره‌وری و درآمد برای گروه‌های آسیب‌پذیر و فقیر؛ (۳) کاهش وابستگی خانوارها به محصولات کشاورزی در مناطق مستعد خشکسالی از طریق متنوع‌ساختن فعالیت‌های آنها (مافی، ۱۳۸۵: ۸۶). با توجه به درصد بالای افراد زیر خط فقر در کشور و مسئولیت بانک‌هایی که بر مبنای قراردادهای اسلامی عمل می‌کنند، اینک روش بانک‌داری اسلامی و الگوی تأمین مالی

کوچک زیر عنوان قراردادهای غیر انتفاعی و انتفاعی در بخش تخصیص منابع بیش تر توضیح داده خواهد شد.

### ۱-۲-۵. قراردادهای غیر انتفاعی

**الف) قرض الحسنه:** در الگوی پیشنهادی، بانک با رعایت سقف سپرده‌های قرض الحسنه و وجوه جذب شده از طریق مساعدت افراد و مؤسسات خیریه و کمک‌های بلاعوض آنان، اقدام به اعطای قرض الحسنه از محل سپرده‌های قرض الحسنه و منابع جذب شده می‌کند. از آنجا که رابطه حقوقی بین بانک اسلامی و متقاضیان تسهیلات قرض الحسنه، رابطه قرض دهنده و قرض گیرنده است، به این نوع تسهیلات سودی تعلق نمی‌گیرد. البته بانک می‌تواند برای تأمین مخارج و هزینه‌های عملیات بانکی، از متقاضیان تسهیلات قرض الحسنه، کارمزد واقعی دریافت کند.

**ب) هبه یا کمک بلاعوض:** بخشی از افراد جامعه و نیازمندان به دلایلی نمی‌توانند وام‌های مأخوذه را برگردانند و از طرفی دیگر لازم است که در جامعه اسلامی به نیاز آنان نیز توجه شود. برای این کار در الگوی پیشنهادی بخشی از وجوه و منابع جذب شده از طریق مساعدت و کمک‌های بلاعوض نهادها و افراد خیر و جمع‌آوری زکات، به این افراد به صورت کمک بلاعوض اختصاص داده شده و اعطا می‌گردد.

### ۲-۲-۵. قراردادهای انتفاعی

**الف) بیع مرابحه (فروش اقساطی):** بانک اسلامی با خرید و تملک کالاهای منقول مورد نیاز متقاضیان تسهیلات، آن‌ها را برای مشتریان مزبور به نحو نسبه اقساطی می‌فروشد و از تفاوت قیمت خرید و فروش سود می‌برد. ماهیت حقوقی این نوع تأمین مالی میان بانک و متقاضی تسهیلات، رابطه فروشنده و خریدار است و بانک می‌تواند متناسب با مدت زمان بازپرداخت اقساط سود ببرد.

**ب) اجاره به شرط تملیک:** بانک اسلامی از طریق خرید و تملک کالاهای منقول مورد نیاز مشتریان (کشاورزان، دامداران و تولیدکنندگان صنایع دستی و کالاهای صنعتی)، آن‌ها را به صورت اجاره به شرط تملیک در اختیار آنان قرار داده و از تفاوت قیمت خرید و اجاره سود خواهد برد. البته مقدار اجاره‌بها متناسب با زمان بازپرداخت متفاوت خواهد بود.

ج) **بیع سلف:** در این روش، بانک بخشی از محصول آینده متقاضی تسهیلات را پیش خرید می‌کند؛ برای مثال، بخشی از محصول کارگاه صنایع دستی یا کشاورزی را پیش خرید و قیمت آن را در حال حاضر پرداخت کرده و در زمان سررسید تحویل کالا، با فروش آن به قیمت بالاتر سود می‌برد.

د) **استصناع:** در استصناع، متقاضی طی قراردادی، سفارش ساخت کالایی را به بانک می‌دهد و بانک در قرارداد استصناع دیگر ساخت کالا را به سازنده سفارش می‌دهد و پس از ساخت آن به مشتری تحویل می‌دهد.

ه) **جعاله:** یکی از قراردادها و ابزار مالی که می‌تواند در بانکداری اسلامی مورد استفاده قرار گیرد، جعاله است. با استفاده از عقد جعاله در به‌کارگیری تسهیلات بانکی، برای بانک‌ها گسترش و توسعه در امور مربوط به تولیدات صنعتی و کشاورزی، بازرگانی و خدماتی با تنظیم قرارداد به‌عنوان عامل یا در صورت نیاز به‌عنوان جاعل فراهم می‌گردد (توسلی غرjestانی، ۱۳۹۳: ۱۷۷).

### ۳-۲-۵. ارائه خدمات بانکی

بانک اسلامی در الگوی پیشنهادی می‌تواند تمامی خدمات بانکی را که مشکل شرعی نداشته باشد، برای مشتریان خود ارائه دهد؛ از قبیل الف) خرید و فروش ارز؛ ب) انجام حواله‌جات بانکی؛ ج) وصول اسناد (چک، برات و سفته) و قبوض شرکت‌ها؛ د) حفظ و نگهداری اشیای قیمتی و اسناد رسمی و بهادار مشتریان.

یادآوری: عملیات اعتبار در حساب جاری، خرید دین از نظر برخی مذاهب مشکل شرعی دارد و لذا به‌صورت رایج قابل اجرا در الگوی پیشنهادی نمی‌باشد و بایستی برای استفاده از خدمات و قراردادهای فوق راه‌کار دیگری جست‌وجو کرد.

### ۳-۵. تبیین عملیات الگوی تأمین مالی کوچک پیشنهادی

در مدل عملیاتی الگوی پیشنهادی توضیح داده خواهد شد که از چه طریقی می‌توان الگوی پیشنهادی را عملیاتی و اجرایی کرد. در الگوی پیشنهادی، با توجه به ماهیت تأمین مالی خرد و با در نظر داشت مرحله گذار، عقود مورد استفاده بانک اسلامی به چند عقد خاص و محدود منحصر شده‌اند؛ زیرا از چند جهت آغاز کار و فرایند تأمین مالی در افغانستان با مشکلات و موانعی همراه

است که چشم‌پوشی و نادیده‌گرفتن آن، مسئله را حل نخواهد کرد.

با توجه به ویژگی‌ها و شرایط اجتماعی و اقتصادی افغانستان، به‌خصوص فقر ۳۹ درصدی و نرخ بیکاری بالا، تأمین مالی کوچک می‌تواند از هر نوع تأمین مالی دیگری موفق‌تر باشد.

### ۱-۳-۵. گروه‌بندی متقاضیان تسهیلات

هدف تأمین مالی کوچک پیشنهادی، تأمین مالی افراد فقیر است و لذا برای اعطای تسهیلات از مکانیزم گروهی استفاده می‌کند. مزیت این روش این است که از یک طرف بانک نسبت به بازپرداخت اعتبارات تخصیصی اطمینان داشته باشد و از طرف دیگر خطر عدم بازپرداخت وام از بانک به خود اعضای گروه منتقل می‌شود. ضمناً بانک با گروه‌بندی متقاضیان، مشکل کمبود اطلاعات لازم را از طرق مختلف، نظیر انتخاب وام‌گیرندگان کم‌ریسک توسط اعضای گروه و ایجاد مسئولیت مشترک گروهی، حل خواهد کرد؛ زیرا افراد با ضمانت گروهی وام می‌گیرند و جریمه قصور در بازپرداخت تسهیلات توسط یکی از افراد گروه، برای تمام افراد گروه اعمال می‌شود و در صورت استنکاف از بازپرداخت وام طی سه قسط متوالی، نام فرد مستنکف در لیست سیاه (Blacklists) بانک ثبت شده و در اعطای تسهیلات بعدی تأثیری منفی خواهد داشت.

افراد متقاضی در قالب گروه‌های ۵ تا ۱۰ نفره تشکیل می‌گردند که گروه‌های زنان جدا از گروه‌های مردان خواهند بود. اعضای هر گروه از هر خانوار فقط یک نفر از بین افرادی که از زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی مشابه برخوردارند و بیش‌ترین اعتماد را به یکدیگر دارند، توسط افراد یک محله یا هم‌صنف انتخاب می‌شوند. تسهیلات بعد از تأیید گروه و تصویب نهایی بانک به اعضا پرداخت می‌شود. پرداخت تسهیلات به‌صورت مرحله‌ای است؛ بدین ترتیب که ۴ نفر از اعضای گروه به‌صورت گروه‌های دو نفره وام خود را در زمان معینی دریافت می‌کنند و به نفر پنجم که معمولاً رئیس گروه است، زمانی پرداخت می‌شود که حداقل ۶۵ درصد تسهیلات اعطایی به اعضای گروه بازپرداخت شده باشد. هر ۵ یا ۸ گروه یک مرکز دارند که اعضای گروه‌ها هفته یک‌بار در محل مرکز و با حضور نماینده و رابط بانک با یکدیگر ملاقات می‌کنند و شرکت در این جلسات برای اعضای گروه اجباری است. تصویب تسهیلات و بازپرداخت آن در همین نشست‌های هفتگی انجام می‌گیرد.



### ۲-۳-۵. گروه‌بندی مشاغل

بانک اسلامی مستقر در شهرها و روستاها قبل از هر اقدامی، مشاغل کوچک مورد حمایت را دسته‌بندی و گروه‌بندی نموده و برای هرکدام متناسب با شرایط خود اعتبار در نظر می‌گیرد؛ مثلاً گروه کشاورزی، گروه مالدار و گروه صنایع دستی. هرکدام این گروه‌ها می‌توانند چندین زیرگروه و شاخه داشته باشند؛ مثلاً گروه کشاورزی زیرگروه‌هایی بدین شرح خواهد داشت: گروه تولیدکننده محصولات کشاورزی مثل گندم، جو و جواری؛ گروه تولیدکننده محصولات باغی مثل سیب، زردآلو، انگور و توت؛ گروه تولیدکننده محصول سبزیجات مثل انواع ترکاری، توت فرنگی، بادنجان رومی، بادنجان و گروه بسته‌بندی محصولات کشاورزی جهت ارسال به بازار مصرف داخلی و خارجی.

خلاصه این‌که بانک ضمن شناسایی گروه‌های هدف، در زمینه اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و آموزش به آنان در زمینه تولید کالای موردنیاز بازار فعال بوده و در بازاریابی برای محصولات تولیدی نیز نقش داشته و زمینه صدور کالاهای تولیدشده به خارج را در صورت لزوم از طریق برخی شرکت‌های بازرگانی فراهم نماید.

### ۳-۳-۵. مکانیزم پرداخت و میزان تسهیلات

در این الگو، مراحل پرداخت تسهیلات و نحوه تعیین میزان آن به‌گونه‌ای در نظر گرفته شده است که انگیزه تبانی از اعضای گروه سلب گردیده و هر گروه تلاش می‌کند که بیش‌ترین اعتبار را کسب کنند. مراحل پرداخت و میزان تسهیلات می‌تواند در سه مرحله به‌شکل زیر صورت گیرد:

در مرحله اول، پرداخت تسهیلات برای افرادی پیشنهاد می‌شود که درآمد کم‌تر از ۶۰۰۰ افغانی در ماه دارند. حداقل و حداکثر وام برای هر یک از اعضا به‌ترتیب ۳۰۰۰۰ افغانی و ۱۰۰۰۰۰ افغانی است که بازپرداخت اقساط وام در هر ۱۵ روز یک‌بار و حداکثر برای ۲۴ ماه در نظر گرفته می‌شود. البته اعطای تسهیلات برای عضو سوم و چهارم گروه بعد از بازپرداخت ۵۰ درصد تسهیلات اعطاشده به دو عضو اول و برای عضو پنجم بعد از بازپرداخت ۶۵ درصد تسهیلات اعطاشده به اعضای این گروه است.

در مرحله دوم، بعد از پرداخت آخرین قسط نفر چهارم (برای گروه ۵ نفره) مقدار وام متناسب

با فعالیت مؤثر اقتصادی اعضای گروه، افزایش درآمد آنان و پرداخت به موقع اقساط، تسهیلات تخصیصی حداقل به ۷۵/۰۰۰ افغانی و حداکثر به ۱۵۰/۰۰۰ افغانی افزایش می‌یابد که برای دو نفر اول گروه بعد از پرداخت آخرین قسط نفر چهارم و برای دو نفر بعدی، پس از پرداخت آخرین قسط نفر پنجم (در گروه ۵ نفره) پرداخت می‌گردد. دوره بازپرداخت وام در این مرحله حداکثر ۳۰ ماه و طی ۶۰ قسط است.

در مرحله سوم، تسهیلات این مرحله حداقل ۱۰۰/۰۰۰ افغانی و حداکثر ۲۵۰/۰۰۰ افغانی به وام‌گیرندگان موفق که در دو مرحله قبلی بازپرداخت کامل داشته و درآمد ماهیانه بیش از ۱۵/۰۰۰ افغانی دارند، پرداخت می‌شود. دوره بازپرداخت اقساط تسهیلات اعطایی در این مرحله حداکثر ۳۵ ماه (۷۰ قسط) است و شرایط مرحله دوم در این‌جا نیز لحاظ می‌گردد.

برای اعضای گروه‌هایی که درآمد خود را افزایش داده و بخشی از آن را در حساب خویش در بانک اسلامی به مدت شش ماه پس‌انداز کرده باشند، بانک می‌تواند علاوه بر حداقل و حداکثر اعتبار تخصیصی پایه، به مقدار نصف متوسط مبلغ مذکور تقسیم بر اعضای گروه، بر مقدار تسهیلات اعضای این گروه بیفزاید.

بانک اسلامی می‌تواند در قبال ارائه خدمات تأمین مالی و اعطای تسهیلات، متناسب با هزینه کارکرد خویش کارمزد دریافت نماید. این کارمزد مثلاً تا سقف ۳۰/۰۰۰ افغانی ۱۰۰۰ افغانی و برای بیش‌تر از آن ۲۵۰۰ افغانی پیشنهاد می‌گردد.

#### ۴-۳-۵. تأمین ماشین‌آلات و ابزار کار مورد نیاز

ممکن است برخی متقاضیان و نیازمندان خواستار ابزار و وسایل کار باشند مثل تراکتور، ماشین‌آلات صنایع بسته‌بندی، ابزار رنگ‌ریزی، خیاطی، نجاری، آهنگری و... بانک اسلامی می‌تواند از طریق دریافت تقاضانامه، ماشین‌آلات و ابزار موردنظر متقاضی از طریق رئیس گروه و تأیید ناظر و رابط بانک، اقدام به تهیه نقدی آن کرده و با لحاظ حاشیه سود خود، به صورت بیع مراحه‌ای (فروش اقساطی) یا اجاره به شرط تملیک در اختیار متقاضی قرار دهد. روش عملیات همانند اعطای قرض است؛ یعنی در این‌جا نیز ضمانت بازپرداخت اقساط مربوط به کل گروه است و وثیقه‌ای دریافت نمی‌گردد؛ با این تفاوت که در این‌جا از قرارداد مبادله‌ای مثل اجاره به شرط تملیک یا فروش اقساطی استفاده می‌گردد و مدت زمان بازپرداخت اقساط می‌تواند حداکثر

تا ۳۶ ماه و میزان منابع تخصیصی حداکثر تا ۱۵۰/۰۰۰ هزار افغانی باشد. بازپرداخت وام (اقساط یا اجاره‌بها) همانند قبل هر ۱۵ روز یک‌بار صورت می‌گیرد. مارکاپ یا حاشیئه سود بانک در این جا می‌تواند تا حدودی ارتباط با نرخ‌های رایج بازار داشته و از انعطاف بیش‌تری نسبت به اعطای وام برخوردار است.

### ۵-۳-۵. استفاده از قرارداد سلف و استصناع

بانک ضمن شناسایی اعضای خود می‌تواند برای تأمین نقدینگی خرد آنان از طریق قرارداد سلف و استصناع، بخشی از محصولات آنان را پیش‌خرید کرده و کمبود نقدینگی آنان را تأمین کند.

در قرارداد سلف (سلم) خصوصیات و مشخصات کامل کالای تولیدی در قرارداد میان بانک به‌عنوان خریدار و تولیدکننده به‌عنوان فروشنده قید شده و زمان سررسید و تحویل کالا نیز معین می‌گردد و قیمت توافقی کالا در زمان انعقاد قرارداد به‌صورت نقدی پرداخت می‌گردد.

در قرارداد استصناع بانک از طریق بازاریابی داخلی و خارجی زمینه سفارش ساخت کالای موردنظر (مثلاً صنایع دستی) را از متقاضی دریافت و از طریق انعقاد قرارداد استصناع با گروه‌های اعضای بانک در مدت زمان معین و پرداخت بخشی از قیمت مورد توافق به‌عنوان پیش‌پرداخت، هم مشکل نقدینگی اعضا را حل کرده و هم زمینه رونق کسب و کار آنان را فراهم می‌کند.

تاسیس ۱۳۹۴

### ۵-۳-۶. قراردادهای انتفاعی مشارکتی

بعد از طی مراحل تأمین مالی خرد، تأمین مالی کلان مطرح می‌شود؛ زیرا در این مرحله، فرض بر این استوار است که کسانی که از تأمین مالی استفاده کرده‌اند، از لحاظ اقتصادی وضعیت مناسبی داشته و کسب و کارشان نسبت به سابق تغییر مثبت یافته است؛ از این‌رو، در این مرحله نوبت به تأمین مالی کلان می‌رسد. در تأمین مالی کلان نیز بانک اسلامی شرایط متقاضی تسهیلات و عملکرد گذشته آن‌ها را در نظر گرفته و بر بنیاد آن اقدام به اعطای تسهیلات و اعتبارات در قالب قراردادهای مشارکتی می‌کند.

مهم‌ترین قرار داد مشارکتی در این مرحله عبارت‌اند از:

۱. قرارداد مضاربه: در مضاربه سرمایه از بانک است و کار و فعالیت اقتصادی از متقاضی که از

آن‌ها تعبیر به مالک و عامل (کارگزار) می‌شود. سود متوقع بر مبنای درصدی میان مالک و عامل پس از کسر مخارج تقسیم می‌شود.

۲. قرارداد مشارکت: از جمله روش‌هایی که در بانک‌داری اسلامی برای تأمین مالی متقاضیان حقیقی و حکمی استفاده می‌شود، قرارداد شرکت (مشارکت) است. مشارکت هم خود به سه نوع تقسیم می‌شود: الف) مشارکت مدنی، یعنی درآمیختن سهم‌الشرکه نقدی و یا غیر نقدی شریکان با همدیگر و به‌نحو مشاع در زمینه فعالیت‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی به مدت محدود به قصد انتفاع؛ ب) مشارکت حقوقی (حکمی)، یعنی تأمین قسمتی از سرمایه شرکت‌های سهامی جدید یا خرید قسمتی از سهام شرکت‌های سهامی توسط بانک؛ ج) مشارکت تناقصی، هرچند این نوع شرکت جزو از مشارکت مدنی است؛ با این تفاوت که در این‌جا توافق بر مبنای شراکت تناقصی است و با پرداخت سهم بانک توسط شریک در طی یک زمان‌بندی مشخص، سهم بانک به تدریج کاسته می‌شود.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

طراحی الگوی بانک‌داری اسلامی برای کشورهای اسلامی، همانند اصل بانک‌داری، یک ضرورت انکارناپذیر است. صرف‌نظر از جنبه اقتصادی و موفقیت‌هایی که برخی بانک‌های اسلامی در طی سه دهه گذشته داشته‌اند، از بُعد فردی و اجتماعی، بانک و خدمات آن در تمام زوایای زندگی روزمره مردم حضور پررنگ پیدا کرده است. با توجه به حرمت ربا و نهی که پیرامون آن در متون دینی ما وارد شده است، مسلمانان نمی‌توانند از خدمات و تسهیلات بانک‌های سنتی بدون دغدغه استفاده کنند. از طرف دیگر، بدون استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی کشورهای اسلامی و بازارهای مالی آن، رشد، توسعه اقتصادی، رفاه عمومی و کاهش فقر محقق نخواهد شد؛ بنابراین، در فرایند تکامل بانک‌داری اسلامی بسیار ضروری است که به سمت وسوی الگویی از بانک‌داری اسلامی برویم که بتواند علاوه بر توجه به شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هر کشور، زمینه تحقق عدالت اجتماعی از جهت اعطای تسهیلات به اقشار مختلف مردم، به‌خصوص متقاضیانی که وثیقه لازم جهت اخذ وام و تسهیلات را در اختیار ندارند، فراهم نماید. برای کشوری مثل افغانستان که اکثر مردم آن پیرو دو مذهب عمده جعفری و حنفی بوده و بیش از ۳۹ درصد آنان زیر خط فقر قرار داشته و از طرف دیگر بیش

از ۸۰ درصد آنان به خاطر فقدان اسناد معتبر برای املاک و مستغلات نمی‌توانند وثیقه مورد نیاز بانک‌های تجاری را فراهم نمایند، الگوی بانکداری اسلامی (تأمین مالی خرد اسلامی Islamic Microfinance) می‌تواند از هر الگوی دیگری به تحقق اهداف فوق کمک کند.

تجربه موفق تأمین مالی خرد در زمینه کاهش فقر، افزایش درآمد و رفاه عمومی در برخی کشورهایی که از لحاظ شرایط اقتصادی و اجتماعی مشابه افغانستان بوده، ضرورت توجه به چنین مکانیزم را در قالب بانکداری اسلامی خرد مبرهن می‌سازد. همان‌گونه که بیان شد، مکانیزم اجرایی الگوی پیشنهادی از طریق گروه‌بندی متقاضیان تسهیلات، گروه‌بندی مشاغل، مکانیزم پرداخت و میزان تسهیلات، استفاده از قراردادهای مشروع با بازده ثابت، ارزیابی سالانه عملکرد بانک و وجود هیئت نظارت شرعی قوی بر عملکرد بانک، به‌گونه‌ای طراحی گردیده که علاوه بر مشروع‌بودن، به سهولت و سادگی قابل انطباق با شرایط جامعه افغانستان نیز باشد؛ بنابراین، با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و مذهبی در افغانستان، طراحی الگویی از بانکداری اسلامی با تأکید بر تأمین مالی خرد می‌تواند زمینه سهولت دسترسی افراد متقاضی و نیازمند به تسهیلات و اعتبارات را فراهم نماید که برآیند چنین الگویی کاهش فقر، افزایش درآمد فقرای فعال اقتصادی، کاهش تضاد طبقاتی و در نتیجه تحقق عدالت اجتماعی - اقتصادی در جامعه خواهد بود.

برای این‌که تأمین مالی اسلامی بتواند به اهداف حداکثری خود نایل شود، یقیناً استفاده از دو نوع تأمین مالی اسلامی (تأمین مالی اسلامی کلان و کوچک) ضروری است که این امر می‌تواند در روند تکامل بانکداری اسلامی تا حدودی مؤثر واقع شود. در الگوی بانکداری اسلامی، علاوه بر استفاده از قراردادهای غیر انتفاعی و مبادله‌ای در سه مرحله - که در بخش مربوط به تبیین مدل عملیاتی الگوی پیشنهادی بیان گردید - بانک اسلامی بعد از مرحله سوم اعطای تسهیلات، می‌تواند از قراردادهای مشارکتی که دارای سود و احیاناً زیان متغیر هستند؛ نظیر مضاربه و مشارکت نیز استفاده کند. استفاده از این عقود می‌بایست با ارزیابی دقیق عملکرد اقتصادی متقاضیان و نحوه پیشرفت و افزایش درآمد آنان در مراحل قبلی اعطای تسهیلات لازم است؛ بنابراین، بسیار شایسته است که در بانکداری اسلامی تخصیص منابع از طریق عقود مشارکتی و طراحی مکانیزم اجرایی آن نیز مورد تحقیق و پژوهش بیش‌تر قرار گیرد تا بانکداری اسلامی در مسیر تکاملی خویش علاوه بر حذف ربا از چرخه فعالیت خود، از اهداف اجتماعی خود دور نیفتد؛ چه این‌که توجه به فقرا و نیازمندان و اعطای تسهیلات به آنان در نظام اقتصادی

اسلام از جایگاهی مناسبی برخوردار است.

## منابع

۱. قرآن مجید.
۲. استغن والدز و جولیان وود (۱۳۸۶)، مبانی بازارهای مالی جهانی، ترجمه منوچهر فکری ارشاد، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
۳. پژویان، جمشید (۱۳۸۶)، پول و ارز و بانکداری، تهران، دانشگاه پیام نور.
۴. توسلی غرجستانی، محمد (۱۳۹۳)، الگوی بانکداری اسلامی برای افغانستان، کابل، انتشارات دانشگاه ابن سینا.
۵. توسلی غرجستانی، محمد (۱۳۹۴)، اقتصاد افغانستان، ظرفیت‌ها، چالش‌ها و راه‌کارها، کابل، انتشارات فرهنگ.
۶. جریده رسمی (۱۳۹۴)، قانون بانکداری، شماره ۱۱۹۷، کابل، وزارت عدلیه.
۷. حبیبان نقیبی، مجید (۱۳۸۲)، قرض الحسنه و راهبردهای توسعه اقتصادی، تهران، معاونت امور اقتصادی.
۸. حر عاملی، محمد ابن حسن (۱۳۷۲)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البتیة لإحياء التراث.
۹. حیات، محمدابراهیم (۱۳۶۹)، پول و کزیدت، کابل، انستیتوت علوم اجتماعی، دیپارتمنت اقتصاد ملی، پلی کبی.
۱۰. زعتری، علاء‌الدین (۱۴۲۹هـ ق) الخدمات المصرفیه و موقف الشریعه الاسلامیه منها، دمشق - بیروت دارالکلم الطیب.
۱۱. شرفاوی المالقی، عائشه (۲۰۰۰م)، البنوک الاسلامیه، بیروت، المرکز الثقافی العربی.
۱۲. صالح‌الامین، محمدحسن (۱۹۸۷م)، الخدمات المصرفیه الغیر الاستثماریه و حکمها فی الشریعه الاسلامیه، رساله دکترا، عربستان سعودی، دانشگاه ام‌القری دانشگاه شریعت و دروس اسلامی.
۱۳. عبداللهی، محسن و میسمی، حسین (۱۳۹۰)، «تأمین مالی خرد اسلامی و نقش آن در تقویت عدالت و رضایت اجتماعی در نظام بانکی کشور»، فصلنامه تازه‌های اقتصاد، تهران، سال نهم، ش ۱۳۲.
۱۴. فراهانی فرد، سعید (۱۳۷۸)، سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۱۵. مافی، فرزانه (۱۳۸۵)، اعتبارات خرد، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
۱۶. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۶)، ابزارهای مالی اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۷. هرورانی، حسین، مصطفی زه‌تابیان و مهدی هرورانی (۱۳۸۹)، نقدی بر بانکداری اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق.

18. Karanshaw, H. (2007). Finance Plus: A Model for the Activation of Microfinance and Medium Finance.

19. <http://banknevesht.shokri.ir / 1388>.

20. Macmillan Dictionary of Modern Economics, 1989.